

عوامل مؤثر بر انحراف اشتغال پیش‌بینی شده در بنگاه‌های زودبازده

(مطالعه موردی: مناطق روستایی استان کرمان)

محمدعلی فیض‌پور^۱

عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه یزد

فاطمه آسایش^{۲*}

کارشناسی ارشد دانشگاه شهید باهنر کرمان،

شهرام گلستانی

استادیار دانشگاه شهید باهنر کرمان،

چکیده

ایجاد فرصت‌های جدید شغلی را می‌توان مؤثرترین مسیر کاهش شکاف درآمدی و کاهش فقر بین مناطق شهری و روستایی، افزایش درآمد روستاییان، ایجاد انگیزه برای ماندگاری در روستاها و در نتیجه، کاهش مهاجرت از مناطق روستایی تلقی نمود. در این میان، راه‌اندازی بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده در روستاها می‌تواند در نزدیک شدن به اهداف مذکور و ایجاد اشتغال نقش قابل توجهی داشته باشد. بر این اساس، این پژوهش می‌کوشد تا با بررسی تمایز احتمالی موجود بین اشتغال ایجادشده و اشتغال پیش‌بینی شده به بررسی عوامل مؤثر بر میزان این تمایز در استان کرمان بپردازد. داده‌های این مطالعه، مربوط به کلیه بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده‌ای است که در مناطق روستایی استان کرمان طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹، فعالیت نموده‌اند. داده‌های مذکور به صورت سالیانه به دست آمده و برای تبیین تمایزات موجود از روش آنالیز کوواریانس (ACOVA) استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد ویژگی مکانی، ویژگی فردی، ویژگی بنگاه، ویژگی مخارج، ویژگی فعالیت، دستگاه اجرایی و بانک عامل بر میزان انحراف از اشتغال پیش‌بینی شده تأثیر معنی‌داری دارند. بر این اساس، بنگاه‌های دارای طرح‌های از نوع توسعه‌ای و خوداشتغالی نسبت به سایر بنگاه‌ها موفق‌تر عمل نموده‌اند. همچنین، بنگاه‌هایی که بانک عامل

اعطاکننده تسهیلات به آن‌ها بانک‌های سپه، مسکن و ملت بوده، نسبت به سایر بانک‌ها در پرداخت تسهیلات، تخصصی‌تر عمل نموده‌اند. علاوه بر آن، نتایج نشان می‌دهد بنگاه‌هایی که توسط زنان و شرکت‌های حقوقی راه‌اندازی و در شهرستان‌های بزم و زرند و در بخش‌های خدمات و صنعت فعالیت نموده‌اند و نیز بنگاه‌هایی که توسط سازمان صنعت، معدن و تجارت و اداره تعاون، کار و امور اجتماعی به‌عنوان دستگاه اجرایی تحت نظارت بوده‌اند، نسبت به سایر بنگاه‌ها در کاهش میزان انحراف از اشتغال پیش‌بینی شده موفق‌تر بوده‌اند.

کلید واژه‌ها: بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده، مناطق روستایی استان کرمان، اشتغال پیش‌بینی شده، اشتغال ایجادشده، مدل ACOVA.

طبقه‌بندی JEL: C۱۳, E۲۴, G۳۸, R۵۸, R۵۱

مقدمه

توجه به رشد و گسترش بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده به‌عنوان یکی از راه‌های توسعه اقتصادی طی سه دهه اخیر همواره مورد توجه کشورهای توسعه‌یافته یا در حال توسعه بوده است (Amin.Aghaie, ۲۰۰۸: ۱۲۵-۱۴۶). همچنین، ایجاد و گسترش بنگاه‌های کوچک روستایی یکی از مراحل توسعه صنعتی با اثرات گسترده اجتماعی و اقتصادی است. این بنگاه‌ها با ایجاد اشتغال و افزایش درآمد روستاییان و همچنین با کاهش اختلاف بین شهر و روستا زمینه را برای جلوگیری از مهاجرت روستاییان به شهرها فراهم می‌آورند (Farhadiyan, ۱۹۹۲).

در ایران، آیین‌نامه گسترش بنگاه‌های کوچک اقتصادی زود بازده و کارآفرین، اشتغال‌زایی، افزایش فرصت‌های شغلی جدید، توزیع عادلانه منابع در مناطق و بین اقشار مختلف مردم و به ویژه در بین مناطق و مردم محروم‌تر را از اهداف اصلی ایجاد این بنگاه‌ها قلمداد نموده و از این رو، این پژوهش بر آن است تا با تأکید بر میزان اشتغال ایجاد شده توسط بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده و مقایسه آن با میزان اشتغال پیش‌بینی شده برای آن‌ها، عملکرد بنگاه‌های مذکور را مورد بررسی قرار دهد. این در حالی است که عوامل متعددی می‌تواند بر عملکرد این بنگاه‌ها اثرگذار باشد. از این رو، پژوهش حاضر می‌کوشد با بررسی میزان احتمالی انحراف از اشتغال پیش‌بینی شده در بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده مناطق روستایی، از یک سو و بررسی این که چه

عواملی بر تمایز احتمالی بین اشتغال پیش‌بینی شده و اشتغال ایجاد شده مؤثر می‌باشد، از سوی دیگر، به اهداف خود دست یابد. این پژوهش بر مناطق روستایی استان کرمان متمرکز گردیده و دوره زمانی ۸۹-۱۳۸۵ را در بر می‌گیرد. بر این اساس، مطالب این پژوهش در پنج بخش تنظیم گردیده است. پس از مقدمه، مروری بر تحقیقات پیشین در بخش دوم مورد بررسی قرار گرفته و در بخش سوم روش تحقیق تبیین شده است. ارائه نتایج به دست آمده موضوع بخش چهارم بوده و در نهایت نتیجه‌گیری در بخش پایانی بیان می‌شود.

پیشینه تحقیق

مروری بر مطالعات خارجی

برای اولین بار در سال ۱۹۷۳ نظریه «کوچک زیباست» توسط شوماخر^۱ اقتصاددان آلمانی، در ادبیات اقتصادی مطرح گردید. در این استراتژی به طور خلاصه بر این امر تأکید می‌شود که مهم‌ترین مسأله کشورهای جهان سوم، بیکاری و افزایش مهاجرت روستاییان به شهرهاست. لذا، برنامه‌ها و سیاست‌های صنعتی باید برای کاهش بیکاری و بهبود وضع اکثریت مردم باشد. با توجه به این هدف، وی معتقد است:

- ۱- فرصت‌های اشتغال باید در مناطق روستایی و شهرهای کوچک به وجود آید؛
 - ۲- به طور متوسط این فرصت‌ها باید به اندازه کافی ارزان باشند؛
 - ۳- با توجه به این که جمعیت کشورهای در حال توسعه از آموزش کافی برخوردار نیست و نرخ بی‌سوادی بالا است، روش‌های تولید باید نسبتاً ساده باشد؛
 - ۴- روش‌های تولید باید به صورتی باشد که از منابع محلی استفاده کند؛
 - ۵- اهداف فوق از رهگذر ایجاد بنگاه‌های کوچک قابل تحقق است (Schumacher, ۱۹۸۶).
- رابینسون^۲ نیز استفاده از بنگاه‌های کوچک را برای از میان بردن تدریجی بیکاری و بیکاری پنهان پیشنهاد می‌کند. وی از چین به عنوان کشوری نام می‌برد که توانسته است با تمهیداتی در

۱- Schumacher

۲- Robinson

مورد بنگاه‌های کوچک روستایی، میزان بهره‌وری و اشتغال را افزایش دهد. رایینسون با حمله به مواضع کلاسیک‌ها (به عنوان اقتصاددان نئوکینزی) بیان می‌کند که دست نامرئی و فرض اشتغال کامل زاییده تحیل انسان است، اما واقعیت وجود بیکاری فراگیر، خصوصاً در کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته است. راهی که رایینسون پیشنهاد می‌کند توسعه صنایع با گرایش کاربر و گسترش بنگاه‌های کوچک با فناوری مدرن است (Robinson, 1975:26).

تودارو^۱ شدیداً موافق گسترش صنایع در کشورهای جهان سوم است. به اعتقاد او، به طور کلی کاهش درآمدی و قیمتی تقاضا برای کالاهای صنعتی بیش‌تر از محصولات کشاورزی است. به همین دلیل، وجود صنعتی که بتواند حلقه‌های اقتصاد بین دو بخش صنعت و کشاورزی را بیش‌تر کند، احساس می‌شود. لذا نوسازی کشاورزی در اقتصادهای در حال توسعه دارای بازارهای مختلف و متنوع را می‌توان بر حسب انتقال تدریجی، ولی مداوم از تولید معیشتی به تخصصی توصیف نمود. چنین انتقالی مستلزم تجدید سازمان ساختار اقتصاد کشاورزی و توسعه بنگاه‌های کوچک، خصوصاً در روستاهاست. در همین زمینه تودارو معتقد است: «انتقال نیروی کار از بخش‌های سنتی به صنعتی که ارزش افزوده بیش‌تر ایجاد می‌کند اجتناب‌ناپذیر است. چرا که اصولاً ریسک تولیدات صنعتی برای کارفرمای اقتصادی کم‌تر از تولیدات کشاورزی است که وابستگی تام به شرایط جوی دارد. بنابراین مکانیزه شدن روستاها برای جلوگیری از مهاجرت، حاشیه‌نشینی، کم‌کاری و بیکاری پنهان امری ضروری است» (Todaro, 1985:348).

داسانایاکا^۲ (۱۹۹۷) در پژوهشی درباره بنگاه‌های کوچک و متوسط در دو کشور پاکستان و سریلانکا پیشنهادهایی در مورد سیاست‌های مربوط به این بنگاه‌ها به منظور تسریع در رد کل اقتصاد ارائه می‌دهد. از جمله پیشنهادهای وی این است که این بنگاه‌ها اغلب در مناطق شهری توسعه یافته‌اند، لذا بهتر است به منظور ایجاد توازن و توزیع درآمد سیاست‌هایی اتخاذ شود تا این بنگاه‌ها در مناطق روستایی نیز توسعه یابند. علاوه بر این، وی با اشاره به اهمیت این بنگاه‌ها نیاز به یک پایگاه آماری منسجم جهت بررسی اثرات این بنگاه‌ها بر تولید و اشتغال را متذکر می‌گردد

۱- Todaro

۲- Dasanayaka

(Dasanayaka, ۱۹۹۷).

اسمالین و نرت^۱ (۱۹۹۹) به بررسی توسعه بنگاه‌های کوچک در مناطق دورافتاده روستایی شمال انگلستان پرداخته و به رابطه میان سطح بنگاه‌های کوچک و متوسط و اشتغال ایجادشده در مناطق جغرافیایی مختلف پرداخته‌اند. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند، درحالی که تفاوت اندکی بین بنگاه‌های کوچک و متوسط در مناطق شهری و روستایی در شرایط رشد آن‌ها وجود دارد؛ اما شرکت‌های روستایی به‌طور معنی‌داری امکان ایجاد اشتغال بیش‌تری دارند (Smallbone, ۱۹۹۹).

اسمالین^۲ (۲۰۰۴) در مقاله‌ای با عنوان مقایسه وضعیت اشتغال در بنگاه‌های کوچک به بررسی تأثیر اندازه بر ایجاد اشتغال پرداخته و بیان می‌نماید که با توجه به وضعیت بازار نیروی کار محلی، رشد اشتغال در بنگاه‌های کوچک روستایی به نسبت بیش‌تر از بنگاه‌های کوچک شهری است. وی بر این باور است که هر متغیر برونی که در هر زمانی منجر به رشد تولید شود، رشد اشتغال را هم در پی دارد (Smallbon, ۲۰۰۴).

مروری بر مطالعات داخلی

تحصیلی (۱۹۹۲) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود به بررسی نقش صنایع کوچک شهری استان خراسان در ایجاد اشتغال و توزیع درآمد پرداخته است. وی در این تحقیق اهمیت اشتغال و توزیع درآمد در کشورهای توسعه نیافته را بررسی کرده و نقش صنایع کوچک را در دستیابی به این اهداف مورد توجه قرار داده است. در ادامه با بررسی عرضه و تقاضای نیروی کار در استان طی این دهه تحولات ساختاری اشتغال در استان و میزان اشتغال ایجاد شده در دو گروه صنایع کوچک و بزرگ شهری را بررسی و تحلیل نموده است (Tahsili, ۱۹۹۲).

مستوفی و عباسی (۲۰۰۰) در مقاله خود به بررسی میزان اهداف تولیدی، اشتغال‌زایی و سودآوری در طرح بنگاه‌های زودبازده در استان قم پرداخته تا مشخص شود به چه میزان طرح بنگاه‌های زودبازده به اهداف خود نایل گشته است. در این راستا، آن‌ها نمونه‌ای ۶۴ نفری از بین

۱- Smallbone and North

۲- Smallbon

افرادی که تسهیلات وام بنگاه‌های زودبازده دریافت کرده بودند، انتخاب کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که به طور کلی وام‌گیرندگان نتوانسته‌اند آن‌طور که در طرح‌های خود هدف‌سازی کرده بودند در واقعیت این اهداف را محقق سازند؛ بنابراین اختلاف معنی‌داری بین اهداف تعریف شده در طرح‌ها و تحقق‌یافته در بنگاه‌های زودبازده وجود دارد. بر اساس نتایج آن‌ها وام‌گیرندگان در خصوص اهداف اشتغال‌زایی و سودآوری نتوانسته‌اند طبق اهداف تعیین‌شده به آن دست یابند و فقط در خصوص اهداف تولیدی نتوانسته‌اند در واقعیت به اهداف تعیین‌شده برسند. بر این اساس اختلاف معنی‌داری بین اهداف تولیدی تعریف شده در طرح‌ها و واقعیت بنگاه‌های زودبازده وجود ندارد (Mostofi & Abbasi, ۲۰۰۰).

رحمانی و همکاران (۲۰۰۰) به بررسی اثر طرح بنگاه‌های زودبازده بر روی اشتغال و کارآفرینی در محدوده استان تهران پرداخته است و بر اساس آن به این نتیجه دست یافته‌اند که اجرای آیین‌نامه بنگاه‌های اقتصادی کوچک زودبازده و اعطای تسهیلات بانکی به آن‌ها (در بخش صنعت) باعث افزایش اشتغال در استان تهران شده است و همچنین اجرای آیین‌نامه بنگاه‌های اقتصادی کوچک زودبازده و اعطای تسهیلات بانکی به آن‌ها (در بخش صنعت) باعث افزایش فعالیت‌های کارآفرینانه در بنگاه‌های مذکور در استان تهران شده است و نتیجه دیگر آن‌که، برنامه‌های دولت در حمایت از بنگاه‌های اقتصادی کوچک زودبازده و شناسایی و رفع موانع موجود بر سر راه توسعه آن‌ها باعث افزایش فعالیت‌های بنگاه‌های مذکور می‌شود (Rahmani et al., ۲۰۰۰).

همان‌گونه که مشاهده شد، بر اساس دانسته‌های محققین این پژوهش، موضوع بررسی میزان تحقق اشتغال ایجاد شده در مقایسه با اشتغال پیش‌بینی شده و عوامل مؤثر بر آن تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته و از این‌رو این مطالعه می‌تواند در نوع خود مطالعه‌ای جدید محسوب شود.

روش‌شناسی تحقیق

بر اساس مطالب بیان شده در قسمت مقدمه و در پی دستیابی به دو هدف اساسی بیان شده، پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به دو سؤال اساسی زیر است:

آیا بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده دارای انحراف از اشتغال پیش‌بینی شده در مناطق روستایی بوده‌اند؟

چه عواملی بر میزان انحراف احتمالی از اشتغال پیش‌بینی شده تأثیر گذاشته است؟ برای دستیابی به پاسخ سوالات فوق، جامعه آماری مورد نظر این پژوهش شامل داده‌های به دست آمده از روش کتابخانه‌ای که از اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان کرمان جمع‌آوری شده، می‌باشد. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و بر مبنای روش از نوع توصیفی و همبستگی است. از آنجایی که تأکید این پژوهش بر بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده‌ای است که در مناطق روستایی فعالیت نموده‌اند؛ از این رو، داده‌های مورد استفاده شامل ۳۲۶۰ بنگاه کوچک و متوسط زودبازده دریافت‌کننده تسهیلات در مناطق روستایی این استان طی دوره ۸۹-۱۳۸۵ می‌باشند.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و بررسی عوامل مؤثر بر عملکرد بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده از مدل ACOVA استفاده شده است. این نیز بدان دلیل است که داده‌های مورد استفاده در این پژوهش از دو نوع داده‌های کمی و کیفی بوده و بنابراین، مدل‌های رگرسیونی با چنین داده‌هایی در گروه مدل‌های آنالیز کوواریانس طبقه‌بندی می‌شوند (گجراتی، ۱۹۹۵). با توجه به این که متغیرهای کیفی عموماً دلالت بر وجود یا عدم وجود کیفیت یا صفتی دارند، لذا یک روش برای کمی کردن این صفات، در نظر گرفتن متغیرهایی ساختگی (dummy variable) با قبول دو مقدار صفر و یک می‌باشد که صفر بیانگر عدم وجود آن صفت و یک حاکی از وجود آن می‌باشد. متغیرهای کیفی مورد استفاده در این پژوهش شامل بخش‌های فعالیت بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده (کشاورزی، خدمات و صنعت)، نوع بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده (خوداشتغالی، جدید، نیمه‌تمام، سرمایه‌در گردش و توسعه‌ای)، شهرستان‌های استان کرمان (بافت، بردسیر، بم، جیرفت، راور، رفسنجان، رودبار، زرنند، سیرجان، شهرابک، عنبرآباد، قلعه‌گنج، کرمان، کهنوج، کوهبنان و منوجان)، بانک‌های عامل (ملی، ملت، رفاه، سپه، کشاورزی، صنعت و معدن، تجارت، مسکن و صادرات) که تسهیلات به بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده ارائه داده‌اند، نوع مجری بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده (زن و مرد (مجری حقیقی)، تعاونی و شرکت (مجری حقوقی)) و دستگاه اجرایی (سازمان بازرگانی، سازمان صنایع و معادن، سازمان جهاد کشاورزی و اداره تعاون) و متغیرهای کمی شامل متغیر انحراف از تسهیلات پیش‌بینی شده، سهم تسهیلات پرداختی به طرح بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده و متغیرهای کیفی در متغیر انحراف از تسهیلات می‌باشند. گروه پایه که برای این مدل در نظر گرفته شده است شامل بنگاه‌های خود اشتغالی بوده که در بخش خدمات فعالیت نموده و توسط شرکت‌ها راه‌اندازی

شده‌اند و اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی نقش نظارتی را بر چگونگی عملکرد این بنگاه‌ها داشته است. علاوه بر این، بنگاه‌های مذکور در شهرستان زرنده راه‌اندازی شده و بانک سپه ارائه دهنده تسهیلات به این بنگاه‌ها بوده است.

علاوه بر موارد فوق، لازم به توضیح است که منظور از اصطلاح اشتغال پیش‌بینی شده در این پژوهش، میزان اشتغالی است که قبل از راه‌اندازی بنگاه بر اساس نوع آن بنگاه، توسط کارگروه اشتغال تعیین شده و اشتغال ایجاد شده، به میزان اشتغالی که با راه‌اندازی یک بنگاه حاصل گردیده، می‌باشد. همچنین تسهیلات پیش‌بینی شده، میزان تسهیلاتی است که توسط کارگروه اشتغال برای پرداخت به بنگاه بر اساس نوع آن تعیین گردیده و تسهیلات پرداخت شده، میزان تسهیلاتی است که به یک بنگاه برای راه‌اندازی اعطا شده است.

با توجه به تمامی موارد مذکور و برای دستیابی به اهداف این پژوهش که بررسی میزان احتمالی انحراف از اشتغال ایجاد شده در مقایسه با اشتغال پیش‌بینی شده در بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده در مناطق روستایی و همچنین، بررسی عوامل مؤثر بر میزان این انحراف می‌باشد، الگوی تجربی زیر معرفی شده است:

$$Y = F(C, E, A, P, B, M, X, S) \quad (1)$$

که در آن، C: ویژگی مکان، E: ویژگی فردی، A: ویژگی فعالیت، P: ویژگی بنگاه، B: نوع بانک عامل، M: نوع دستگاه اجرایی، X: انحراف از تسهیلات پیش‌بینی شده (ویژگی مخارج)، S: سهم تسهیلات (ویژگی مخارج) است. که با تصریح مدل می‌توان آن را به صورت زیر بیان نمود.

$$Y_t = \alpha_0 + \sum_{i=1}^n \alpha_i D_{it} + \sum_{j=1}^m \beta_j E_{jt} + \sum_{k=1}^p \gamma_k A_{kt} + \sum_{l=1}^q \delta_l P_{lt} + \sum_{m=1}^r \theta_m B_{mt} + \sum_{n=1}^s \phi_n M_{nt} + \sum_{o=1}^t \psi_o X_{ot} + \sum_{p=1}^u \omega_p S_{pt} + \epsilon_t \quad (2)$$

در این مدل n و t به ترتیب بیانگر نوع ویژگی‌های مورد بررسی و زمان، α_1 عرض از مبدا، α و β ضریب متغیرهای توضیحی که تا حدودی می‌تواند به صورت کشش تفسیر شود و U_t جز اخلال می‌باشد. لازم به ذکر است که برای دستیابی به هدف دوم این پژوهش که بررسی عوامل مؤثر بر میزان احتمالی انحراف از اشتغال پیش‌بینی شده در بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده مناطق روستایی استان کرمان می‌باشد، فرضیه‌های زیر در نظر گرفته شده تا با آزمون این فرضیه‌ها بتوان به هدف دوم این پژوهش دست یافت:

- ۱- بین مکان احداث بنگاه و تمایز بین اشتغال ایجادشده و اشتغال پیش‌بینی شده در بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده در مناطق روستایی استان کرمان طی دوره ۸۹-۱۳۸۵ رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- ۲- بین بخش فعالیت طرح و تمایز بین اشتغال ایجادشده و اشتغال پیش‌بینی شده در بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده در مناطق روستایی استان کرمان طی دوره ۸۹-۱۳۸۵ رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- ۳- بین نوع طرح و تمایز بین اشتغال ایجادشده و اشتغال پیش‌بینی شده در بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده در مناطق روستایی استان کرمان طی دوره ۸۹-۱۳۸۵ رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- ۴- بین نوع دستگاه اجرایی و تمایز بین اشتغال ایجادشده و اشتغال پیش‌بینی شده در بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده در مناطق روستایی استان کرمان طی دوره ۸۹-۱۳۸۵ رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- ۵- بین نوع بانک ارائه‌دهنده تسهیلات و تمایز بین اشتغال ایجادشده و اشتغال پیش‌بینی شده در بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده در مناطق روستایی استان کرمان طی دوره ۸۹-۱۳۸۵ رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- ۶- بین نوع مجری طرح و تمایز بین اشتغال ایجادشده و اشتغال پیش‌بینی شده در بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده در مناطق روستایی استان کرمان طی دوره ۸۹-۱۳۸۵ رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- ۷- بین سهم تسهیلات پرداخت‌شده از کل تسهیلات پیش‌بینی شده و انحراف از اشتغال پیش‌بینی شده در بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده در مناطق روستایی استان کرمان طی دوره ۸۹-۱۳۸۵ رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- ۸- بین انحراف از تسهیلات پیش‌بینی شده و انحراف از اشتغال پیش‌بینی شده در بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده در مناطق روستایی استان کرمان طی دوره ۸۹-۱۳۸۵ رابطه معنی‌داری وجود دارد.

نتایج و یافته‌ها

بر اساس اطلاعات به دست آمده از اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان کرمان، به تعداد

۳۲۶۰ بنگاه کوچک و متوسط زودبازده در مناطق روستایی استان کرمان طی دوره ۸۹-۱۳۸۵ تسهیلات تعلق گرفته است. این بنگاه‌ها عملاً از مبلغی حدود ۷۳۹۷۲۴ میلیون ریال تسهیلات استفاده نموده‌اند. از حدود ۱۰۲۱۸۵۰ میلیون ریال تسهیلات پیش‌بینی شده برای ۳۲۶۰ بنگاه دریافت‌کننده تسهیلات، ۷۲ درصد تسهیلات پرداخت شده و ۸۳ درصد از اشتغال پیش‌بینی شده، ایجاد شده است. در نتیجه، کل بنگاه‌های دریافت‌کننده تسهیلات طی دوره ۸۹-۱۳۸۵ دارای ۲۸ درصد انحراف از تسهیلات پیش‌بینی شده و ۱۷ درصد انحراف از اشتغال پیش‌بینی شده بوده‌اند.

در ادامه در جدول شماره (۱) به بررسی عملکرد بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده مناطق روستایی استان کرمان طی دوره ۸۹-۱۳۸۵ به تفکیک ویژگی‌های مختلف پرداخته می‌شود. عوامل اثرگذار بر میزان انحراف از اشتغال پیش‌بینی شده در این پژوهش به صورت ویژگی‌های بیان‌شده در ذیل آورده شده است:

۱. ویژگی مکانی: شامل شهرستان‌های استان کرمان: بافت، بم، بردسیر، جیرفت، راور، رفسنجان، رودبار، زرنند، سیرجان، شهرابک، عنبرآباد، قلعه گنج، کرمان، کهنوج، کوهبنان و منوجان می‌شود.
 ۲. ویژگی فردی: شامل نوع مجری بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده که از نوع حقیقی و یا حقوقی است، می‌باشد. مجریان حقیقی شامل زنان و مردان و مجریان حقوقی شامل شرکت‌ها و تعاونی‌ها می‌شود.
 ۳. ویژگی مخارج: در بردارنده میزان انحراف از تسهیلات پیش‌بینی شده و سهم تسهیلات پرداختی به بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده می‌باشد.
 ۴. ویژگی فعالیت: دربرگیرنده فعالیت‌های بخش صنعت، خدمات و کشاورزی می‌باشد.
 ۵. ویژگی بنگاه: شامل نوع طرحی است که بنگاه مورد استفاده قرار می‌دهد که در برگیرنده طرح‌های جدید، طرح‌های توسعه‌ای، طرح‌های نیمه‌تمام، طرح‌های سرمایه در گردش و طرح‌های خوداشتغالی می‌باشد.
 ۶. نوع بانک عامل و نوع دستگاه اجرایی جزء سایر ویژگی‌ها دسته‌بندی می‌شوند.
- بر اساس جدول شماره (۱)، بخش خدمات با تعداد ۱۸۵۷ بنگاه از کل بنگاه‌های دریافت‌کننده تسهیلات در مناطق روستایی استان کرمان که بیش‌ترین تعداد بنگاه‌ها را شامل می‌شود، توانسته ۸۵ درصد اشتغال پیش‌بینی شده را ایجاد کند. بنابر آمارهای به‌دست آمده، کم‌ترین میزان بنگاه‌ها

با توجه به تسهیلات پرداختی به کل این بنگاه‌ها، سرانه تسهیلاتی که برای ایجاد هر فرصت شغلی در بخش خدمات پیش‌بینی شده، ۱۲۸ میلیون ریال بوده که در عمل ۱۱۰ میلیون ریال برای هر فرصت شغلی پرداخت شده است. برای بخش صنعت و کشاورزی نیز میزان سرانه تسهیلات پیش‌بینی شده برای هر شغل به ترتیب ۲۰۸ میلیون ریال و ۱۲۰ میلیون ریال بوده که عملاً به این دو بخش به ترتیب ۱۷۰ میلیون ریال و ۱۱۷ میلیون ریال پرداخت شده است. بنابراین بخش صنعت دارای بیش‌ترین سرانه تسهیلات برای هر فرصت شغلی و بخش خدمات دارای کم‌ترین سرانه تسهیلات بوده است.

از تعداد کل بنگاه‌هایی موجود در مناطق روستایی، ۸۵ درصد بنگاه‌ها دارای طرح‌های از نوع خوداشتغالی بوده و این بنگاه‌ها عملاً توانسته‌اند ۳۲۶۰ فرصت شغلی با سرانه تسهیلات ۴۸ میلیون ریال به ازای هر شغل ایجاد کنند. این نوع بنگاه‌ها با ایجاد ۹۲ درصد از اشتغال پیش‌بینی شده توانسته‌اند نسبت به سایر بنگاه‌ها با نوع طرح متفاوت، موفق‌تر عمل نمایند. لازم به ذکر است که بنگاه‌های با طرح از نوع خوداشتغالی بیش‌ترین سهم تسهیلات را طی دوره ۸۹-۱۳۸۵ به خود اختصاص داده‌اند. همچنین، بنگاه‌های راه‌اندازی شده با طرح جدید با توجه به آن‌که نسبت به بنگاه‌های دیگر با نوع طرح متفاوت، میزان انحراف از تسهیلات کم‌تری داشته‌اند؛ تنها ۷۴ اشتغال را طبق پیش‌بینی ایجاد کرده‌اند.

بر اساس یافته‌های به دست آمده در جدول شماره (۱) بنگاه‌های دریافت‌کننده تسهیلات در مناطق روستایی شهرستان کرمان نسبت به سایر مناطق بیش‌تر بوده که ۳۵ درصد بنگاه‌ها را دربردارد. این بنگاه‌ها با دریافت ۷۶ درصد از تسهیلات پیش‌بینی شده توانسته‌اند، ۸۴ درصد از اشتغال پیش‌بینی شده را ایجاد کنند. لازم به ذکر است که از کل تسهیلات اعطایی طی دوره ۸۹-۱۳۸۵، ۵۶ درصد تسهیلات تنها به بنگاه‌های موجود در مناطق روستایی شهرستان کرمان تعلق گرفته است. در مناطق روستایی شهرستان‌های زرنند و منوجان می‌توان گفت که تقریباً به هیچ بنگاهی تسهیلات تعلق نگرفته است.

از سازمان‌هایی که بنگاه‌های دارای توجیه اقتصادی را به بانک‌های عامل جهت دریافت تسهیلات معرفی نموده‌اند، سازمان بازرگانی بیش‌ترین تعداد بنگاه‌ها را معرفی نموده و این بنگاه‌ها توانسته‌اند، ۸۴ درصد از اشتغال پیش‌بینی شده را ایجاد کنند و بنگاه‌هایی که توسط سازمان جهاد کشاورزی طی دوره ۸۹-۱۳۸۵ معرفی شده‌اند، ۸۹ درصد تسهیلات پیش‌بینی شده را دریافت

نموده‌اند که در دریافت تسهیلات پیش‌بینی شده برای این بنگاه‌ها کم‌ترین میزان انحراف از تسهیلات را نسبت به سایر سازمان‌ها داشته‌اند.

از بین بانک‌های پرداخت‌کننده تسهیلات به بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده طی دوره ۸۹-۱۳۸۵ در مناطق روستایی استان کرمان، بانک کشاورزی بیش‌ترین میزان تسهیلات پرداختی را داشته که این بانک در پرداخت تسهیلات ۱۰ درصد انحراف از تسهیلات نسبت به تسهیلات پیش‌بینی شده را دارا بوده است.

همان‌گونه که در جدول شماره (۱) مشاهده می‌شود، از بین مجریان حقیقی و حقوقی بنگاه‌ها در مناطق روستایی استان کرمان، زنان روستایی توانسته‌اند در ایجاد اشتغال طبق پیش‌بینی نسبت به سایر مجریان بهتر عمل نموده و ۹۴ درصد اشتغال پیش‌بینی شده را ایجاد کنند. این در حالی است که میزان تسهیلات پرداختی به زنان کم‌تر از مردان بوده و نیز ۳۴ درصد انحراف از تسهیلات پیش‌بینی شده برای بنگاه‌هایی که توسط زنان راه‌اندازی شده، وجود داشته است. لازم به ذکر است که زنان روستایی، ۵۰ درصد بنگاه‌هایی را که طی دوره ۸۹-۱۳۸۵ دریافت‌کننده تسهیلات بوده‌اند را راه‌اندازی نموده‌اند. میزان سرانه تسهیلات به ازای هر شغلی که توسط زنان انجام شده، ۳۱ میلیون ریال بوده در حالی که مردان برای ایجاد هر شغل تقریباً از ۱۴۲ میلیون ریال تسهیلات استفاده نموده‌اند. در مجموع، مردان ۵۹ درصد تسهیلات اعطایی بانک‌ها را طی دوره مذکور به خود اختصاص داده‌اند که بیش‌ترین میزان تسهیلات به مجریان مرد تعلق داشته است.

یافته‌های جدول شماره (۱) نشان می‌دهد که بیش‌ترین تعداد بنگاه‌های دریافت‌کننده تسهیلات در مناطق روستایی استان کرمان مربوط به سال ۱۳۸۶ بوده که ۷۳ درصد بنگاه‌ها را شامل شده و کم‌ترین میزان بنگاه‌ها مربوط به سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ می‌باشند. در سال ۱۳۸۶، ۸۶ درصد از اشتغال پیش‌بینی شده، ایجاد شده و میزان انحراف از تسهیلات در این سال ۲۷ درصد بوده است. بیش‌ترین تسهیلات پرداخت شده بنگاه‌ها مربوط به سال ۱۳۸۶ بوده و ۵۰ درصد از کل تسهیلات پرداختی طی دوره ۸۹-۱۳۸۵، در این سال استفاده شده است.

بر اساس تصویر کلی ارائه شده از عملکرد بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده در مناطق روستایی استان کرمان طی دوره ۸۹-۱۳۸۵، در ادامه نتایج تخمین مدل که برای رسیدن به دو هدف مشخص در این پژوهش صورت پذیرفته، در جدول شماره (۲) به تصویر کشیده شده است. همان‌طور که از نتایج به دست آمده در جدول شماره (۲) ملاحظه می‌شود، تمام عرض از مبداهای

تفاضلی و ضرایب زاویه در سطح احتمال ۱۰ درصد از نظر آماری معنی‌دار می‌باشند. لازم به ذکر است که در مدل شماره (۲)، متغیرهای اثرگذار بر میزان انحراف از اشتغال پیش‌بینی شده با استفاده از داده‌های در دسترس به صورت کلی عنوان شده؛ اما به دلیل معنی‌دار نبودن برخی از متغیرهای اثرگذار بر متغیر توضیحی، برخی از آن‌ها حذف شده و در نتیجه مدل برآوردی به دست آمده است. بر این اساس، مدل شماره (۳)، تنها متغیرهایی را که اثری معنی‌دار بر متغیر وابسته داشته‌اند، در بر گرفته است.

(۳)

$$Y_t = \alpha_1 + \alpha_2 D_{a3} + \alpha_3 D_{b2} + \alpha_4 D_{b3} + \alpha_5 D_{b4} - \alpha_6 D_{b5} + \alpha_7 D_{b8} - \alpha_8 D_{b9} + \alpha_9 D_{c8} + \alpha_{10} D_{c9} + \alpha_{11} D_{c10} - \alpha_{12} D_{m10} - \alpha_{13} D_{m11} - \alpha_{14} D_{p10} - \alpha_{15} D_{p11} - \alpha_{16} D_{p12} + \beta_1 D_{a10} X_t - \beta_2 D_{b10} X_t + \beta_3 D_{b11} X_t + \beta_4 D_{c10} X_t + \beta_5 D_{c11} X_t + \beta_6 D_{c12} X_t - \beta_7 D_{m10} X_t - \beta_8 D_{m11} X_t - \beta_9 D_{m12} X_t - \beta_{10} D_{p10} X_t - \beta_{11} D_{p11} X_t + \beta_{12} D_{p12} X_t + \beta_{13} D_{p13} X_t + \beta_{14} X_t - \gamma_1 S_t + U_t$$

ویژگی دستگاه اجرایی

همان‌گونه که از نتایج جدول شماره (۲) نمایان است، سازمان بازرگانی و سازمان صنایع و معادن بر میزان انحراف از اشتغال پیش‌بینی شده طی دوره ۸۹-۱۳۸۵ اثر گذاشته‌اند. این دو سازمان هم بر عرض از مبدأ تفاضلی انحراف از اشتغال پیش‌بینی شده و هم بر ضریب زاویه تفاضلی آن اثر معنی‌داری داشته و نتایج حاکی از آن است که دو سازمان مذکور نقش مثبتی در کاهش انحراف از اشتغال پیش‌بینی شده طی دوره مذکور داشته‌اند. لازم به ذکر است که طبق نتایج به دست آمده، سازمان صنعت، معدن و تجارت طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ توانسته میزان انحراف از اشتغال پیش‌بینی شده را به نسبت بیش‌تری نسبت به سازمان بازرگانی کاهش دهد. بنابر نتایج به دست آمده، سازمان صنعت، معدن و تجارت و اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی نسبت به سایر دستگاه‌های اجرایی موفق‌تر عمل نموده‌اند.

ویژگی بنگاه

بنگاه‌هایی که دارای طرح‌های از نوع سرمایه در گردش، جدید، نیمه‌تمام و توسعه‌ای بوده‌اند، دارای اثر معنی‌داری بر انحراف از اشتغال پیش‌بینی شده بوده‌اند. بنگاه‌های دارای طرح‌های از نوع

سرمایه در گردش، جدید و توسعه‌ای با داشتن عرض از مبدأ تفاضلی منفی توانسته‌اند.
جدول ۲- عوامل مؤثر بر میزان انحراف از اشتغال پیش‌بینی‌شده در بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده
مناطق روستایی استان کرمان طی دوره ۸۹-۱۳۸۵

(متغیر وابسته: انحراف از اشتغال پیش‌بینی شده) $F=53/92.R^2=0/33$

متغیرها	ضریب	خطا استاندارد	آماره t	سطح احتمال
انحراف از تسهیلات	0.001221	0.000348	3.505574	0.0005
بانک تجارت	0.22786	0.092424	2.465373	0.0137
بانک رفاه	3.411323	1.583537	2.154244	0.0313
بانک صادرات	0.293451	0.079266	3.702096	0.0002
بانک مسکن	-0.988683	0.512592	-1.928792	0.0538
بانک مسکن*	-0.001586	0.000257	-6.162449	0
بانک ملت	0.178123	0.08889	2.003869	0.0452
بانک ملت*	0.000693	0.000196	3.534088	0.0004
بانک ملی	-0.001005	0.000136	-7.375388	0
بخش صنعت*	0.001757	0.000227	7.739154	0
بخش کشاورزی	0.250371	0.086905	2.88099	0.004
سازمان بازرگانی	-0.286323	0.084371	-3.393628	0.0007
سازمان بازرگانی*	-0.001199	0.000175	-6.849153	0
سازمان صنعت، معدن و تجارت	-1.469211	0.248427	-5.914059	0
سازمان صنعت، معدن و تجارت*	-0.001806	0.000148	-12.16534	0
سهام تسهیلات	-0.200401	0.057152	-3.506453	0.0005
شهرستان بم*	0.002327	0.00048	4.846833	0
شهرستان رودبار	0.282731	0.128141	2.206406	0.0274
شهرستان رودبار*	0.000427	0.000128	3.341399	0.0008
طرح توسعه ای	-1.634862	0.171387	-9.539012	0
طرح توسعه ای*	-0.001932	0.000271	-7.131473	0
طرح جدید	-1.088471	0.12134	-8.970404	0
طرح جدید*	-0.002396	0.00022	-10.86718	0
طرح سرمایه در گردش	-1.082083	0.180295	-6.001721	0
طرح سرمایه در گردش*	-0.003166	0.000249	-12.706	0
طرح نیمه تمام*	0.001486	0.000267	5.564092	0
زن	1.011418	0.189635	5.333485	0
زن*	0.001423	0.000319	4.464668	0
مرد	0.719716	0.17822	4.038353	0.0001
مرد*	0.001039	0.000131	7.920007	0
عرض از مبدأ	-1.109296	0.23943	-4.633068	0

* انحراف از تسهیلات پیش‌بینی شده

منبع: یافته‌های تحقیق

در کاهش میزان انحراف از اشتغال پیش‌بینی شده طی دوره ۸۹-۱۳۸۵ سهم بوده و از تسهیلات دریافتی در جهت ایجاد اشتغال پیش‌بینی شده استفاده مناسب نمایند. همچنین بنگاه‌های دارای طرح‌های از نوع نیمه‌تمام بر شیب مدل تأثیر معنی‌دار داشته و نشان‌دهنده اثر مثبت انحراف از تسهیلات پیش‌بینی شده بر انحراف از اشتغال پیش‌بینی شده می‌باشند. با توجه به ضریب‌تفاضلی متغیر طرح نیمه‌تمام، با پرداخت یک میلیون ریال به این بنگاه‌ها، انحراف از اشتغال پیش‌بینی شده به میزان ۰/۰۱۴ کاهش یافته است. برآورد نشان داده شده در جدول شماره (۲) بیان‌کننده آن است که بنگاه‌های دارای طرح‌های از نوع توسعه‌ای و خوداشتغالی طی دوره ۱۳۸۹-۱۳۸۵ در کاهش میزان انحراف از اشتغال پیش‌بینی شده موفق‌تر عمل نموده‌اند.

ویژگی فردی

بر اساس نتایج جدول شماره (۲)، مجریان حقیقی (مرد و زن)، نقش مثبتی در کاهش میزان انحراف از اشتغال پیش‌بینی شده طی دوره مذکور نداشته‌اند؛ اما بر ضریب‌زاویه تفاضلی اثر معنی‌داری داشته و اثر مثبت انحراف از تسهیلات پیش‌بینی شده بر انحراف از اشتغال پیش‌بینی شده را افزایش داده‌اند. به عبارت دیگر، با پرداخت یک میلیون ریال به مجریان زن و مرد، انحراف از اشتغال پیش‌بینی شده به ترتیب به میزان ۰/۰۱۴ و ۰/۰۰۱ کاهش یافته است. بنابراین و در مجموع، نتایج نشان می‌دهد شرکت‌های حقوقی که اثر آن‌ها در عرض از مبدأ نمایان است و زنان نیز به‌عنوان مجری بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده طی دوره ۸۹-۱۳۸۵ موفق‌تر از سایر مجریان در کاهش میزان انحراف از اشتغال پیش‌بینی شده عمل نموده‌اند.

ویژگی بانک

جدول شماره (۲) نشان می‌دهد که بانک‌های مسکن و ملی با داشتن عرض از مبدأ تفاضلی منفی، در کاهش میزان انحراف از اشتغال پیش‌بینی شده سهم بوده‌اند. این دو بانک با اعطای تسهیلات به بنگاه‌های معرفی شده به آن‌ها و نظارت بر حسن اجرای این بنگاه‌ها در جهت استفاده از تسهیلات، توانسته‌اند در کاهش میزان انحراف از اشتغال پیش‌بینی شده موفق عمل نمایند. بانک ملت نیز با داشتن ضریب‌زاویه مثبت نشان‌دهنده عملکرد موفق این بانک در اعطای تسهیلات به

بنگاه‌های زودبازده می‌باشد. به عبارت دیگر با پرداخت یک میلیون ریال توسط این بانک به بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده، انحراف از اشتغال پیش‌بینی شده به میزان ۰/۰۰۰۶ کاهش یافته است. بنابر نتایج به دست آمده، بانک‌های سپه و مسکن و ملت عملکرد بهتری نسبت به سایر بانک‌ها در اعطای تسهیلات به بنگاه‌ها و نظارت بر آن‌ها طی دوره مذکور داشته‌اند.

ویژگی محیطی

ویژگی محیطی که شامل شهرستان‌های استان کرمان می‌باشد در جدول شماره (۲) به عنوان یکی از متغیرهای اثرگذار بر انحراف از اشتغال پیش‌بینی شده بیان شده است. بر اساس آنچه در این جدول نمایان است، روستاهای مربوط به شهرستان‌های بم و رودبار، تنها روستاهایی بوده‌اند که اثر معنی‌داری بر انحراف از اشتغال پیش‌بینی شده طی دوره ۸۹-۱۳۸۵ داشته‌اند. شهرستان رودبار با عرض از مبدأ ۰/۲۸، میزان انحراف از اشتغال پیش‌بینی شده را افزایش داده و همچنین، روستاهای مربوط به شهرستان‌های بم و رودبار با ضریب‌زاویه تفاضلی مثبت، اثر مثبت انحراف از تسهیلات پیش‌بینی شده بر انحراف از اشتغال پیش‌بینی شده را تشدید نموده‌اند. این نتیجه نشان می‌دهد که با پرداخت یک میلیون ریال به شهرستان‌های بم و رودبار، انحراف از اشتغال پیش‌بینی شده به ترتیب به میزان ۰/۰۰۲۳ و ۰/۰۰۰۴ کاهش یافته است. نتایج حاصل شده از جدول شماره (۲) نشان می‌دهد که شهرستان‌های بم و زرنند نسبت به سایر شهرستان‌ها در کاهش میزان انحراف از اشتغال پیش‌بینی شده موفق‌تر عمل نموده‌اند.

ویژگی فعالیت

بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده مناطق روستایی استان کرمان طی دوره ۸۹-۱۳۸۵ در بخش‌های کشاورزی، خدمات و صنعت فعالیت نموده‌اند؛ از این رو، بخش فعالیت این بنگاه‌ها به عنوان عامل دیگر مؤثر بر انحراف از اشتغال پیش‌بینی شده در نظر گرفته شده است. بنگاه‌های فعال در بخش کشاورزی مناطق روستایی استان کرمان طی دوره ۸۹-۱۳۸۵، در کاهش میزان انحراف از اشتغال پیش‌بینی شده موفق نبوده‌اند؛ اما بنگاه‌های فعال در بخش صنعت، اثر مثبت انحراف از تسهیلات پیش‌بینی شده بر انحراف از اشتغال پیش‌بینی شده را تشدید نموده و با افزایش پرداخت تسهیلات به این بخش، میزان انحراف از اشتغال کاهش یافته است. علاوه بر این، بخش

خدمات در این دوره توانسته میزان انحراف از اشتغال را کاهش دهد که اثر فعالیت در این بخش در عرض از مبدأ نمایان می‌باشد. بنابر نتایج موجود در این قسمت، راه‌اندازی بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده در بخش‌های صنعت و خدمات نسبت به سایر بخش‌ها در کاهش میزان انحراف از اشتغال پیش‌بینی شده موفق‌تر بوده‌اند.

ویژگی سهم تسهیلات

سهم تسهیلات که عبارت است از نسبت تسهیلات پرداختی به تسهیلات پیش‌بینی شده در سال مشخص، تأثیر مثبتی بر کاهش انحراف از اشتغال پیش‌بینی شده داشته است. زیرا، هرچه این نسبت بیش‌تر باشد، در واقع به معنای تناسب پرداخت‌ها با مقادیر انتظاری تسهیلات است که سبب خواهد شد اشتغال تحقق یافته نیز به اشتغال پیش‌بینی شده نزدیک‌تر گردد و فرصت‌های شغلی کم‌تری در این میان از بین برود.

ویژگی انحراف از تسهیلات پیش‌بینی شده

انحراف از تسهیلات پیش‌بینی شده اثر مثبتی بر انحراف از اشتغال پیش‌بینی شده در این دوره داشته است. به عبارت دیگر، هرچه میزان انحراف از تسهیلات طبق برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته کاهش یابد، میزان انحراف از ایجاد اشتغال پیش‌بینی شده نیز کاهش می‌یابد.

نتیجه‌گیری و راهکارها

ایجاد و گسترش بنگاه‌های کوچک روستایی یکی از مراحل توسعه صنعتی در کشور بوده و دارای اثرات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی فراوان می‌باشد. این بنگاه‌ها باعث ایجاد اشتغال و افزایش درآمد روستاییان و همچنین باعث از بین رفتن اختلاف بین شهر و روستا و در نهایت جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه روستاییان به شهرها می‌شود. در ایران نیز، این بنگاه‌ها از سال ۱۳۸۴ مورد توجه قرار گرفته و یکی از مهم‌ترین اهداف خود را اشتغال‌زایی و افزایش فرصت‌های شغلی جدید تعیین نموده‌اند. از این رو، با توجه به آن‌که بخش قابل توجهی از تسهیلات بانک‌ها به حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده اختصاص یافته است تا بتوانند به هدف خود یعنی ایجاد اشتغال، دست یابند، اهمیت بررسی عملکرد این بنگاه‌ها پررنگ‌تر می‌شود. بر این اساس،

این پژوهش کوشیده است با تأکید بر میزان اشتغال ایجاد شده توسط بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده و مقایسه آن با میزان اشتغال پیش‌بینی شده برای آن‌ها، عملکرد بنگاه‌های مذکور را مورد بررسی قرار دهد. این در حالی است که عوامل متعددی می‌تواند بر عملکرد این بنگاه‌ها اثرگذار باشد. از این رو، پژوهش حاضر دو سؤال اساسی:

آیا بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده دارای انحراف از اشتغال پیش‌بینی شده در مناطق روستایی بوده‌اند؟

چه عواملی بر میزان انحراف احتمالی از اشتغال پیش‌بینی شده تأثیر گذاشته است؟
را برای دستیابی به اهداف خود در نظر گرفته است. این بررسی نیز در مناطق روستایی استان کرمان متمرکز گردیده و دوره زمانی ۸۹-۱۳۸۵ را در بر می‌گیرد.

بر اساس نتایج به دست آمده از عملکرد بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده مناطق روستایی استان کرمان طی دوره ۸۹-۱۳۸۵، از کل تسهیلات پیش‌بینی شده برای این بنگاه‌ها طی این دوره، ۷۲ درصد از تسهیلات پیش‌بینی شده به بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده پرداخت و در نتیجه ۸۳ درصد از اشتغال پیش‌بینی شده نیز، ایجاد شده است. بر این اساس، می‌توان سؤال نخست این پژوهش را چنین پاسخ گفت که: بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده که در مناطق روستایی استان کرمان طی دوره ۸۹-۱۳۸۵ فعالیت نموده‌اند، حدود ۱۷ درصد انحراف از اشتغال پیش‌بینی شده را تجربه نموده‌اند. علاوه بر آن، یافته‌های این پژوهش بیانگر موارد ذیل است:

۱- یافته‌ها نشان داده است که مکان تأسیس بنگاه بر میزان انحراف از اشتغال پیش‌بینی شده اثر معنی‌داری داشته و بنگاه‌های موجود در شهرستان‌های بم و زرنند در استفاده از تسهیلات دریافتی برای ایجاد اشتغال موفق‌تر بوده‌اند. بنابراین می‌توان برای کاهش میزان انحراف از اشتغال پیش‌بینی شده در مکان‌های مختلف تأسیس بنگاه، از چگونگی عملکرد این دو شهرستان استفاده نمود.

یافته فوق فرضیه شماره (۱) را مورد پذیرش قرار می‌دهد.

۲- بخش کشاورزی به تنهایی قادر به ایجاد اشتغال در بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده در مناطق روستایی نبوده و لزوم پرداختن به فعالیت‌های غیرکشاورزی و جستجوی شیوه‌های جدید معیشت با اتکا به منابع درونی روستاها پیش از پیش احساس می‌شود. بنابراین، بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده فعال در بخش‌های خدمات و صنعت طی دوره ۸۹-۱۳۸۵، نسبت به سایر

بخش‌ها موفق‌تر بوده‌اند. از این رو، می‌توان از نحوه عملکرد این دو بخش برای بهبود عملکرد بخش کشاورزی در راستای تخصیص بهینه تسهیلات در جهت ایجاد اشتغال استفاده نمود.

یافته فوق همسو با فرضیه شماره (۲) بوده که می‌توان بین بخش مورد نظر و انحراف از اشتغال رابطه معنی‌داری را تصویر نمود.

۳- یافته‌ها نشان داده که بنگاه‌های دارای طرح از نوع توسعه‌ای و خوداشتغالی نسبت به سایر بنگاه‌ها در استفاده از تسهیلات عملکرد بهتری داشته‌اند. بنابراین در نزدیک‌تر نمودن میزان اشتغال ایجادشده به پیش‌بینی شده موفق‌تر از سایر بنگاه‌ها عمل نموده‌اند. از این رو بهتر است که این دو نوع طرح جهت دریافت تسهیلات برای ایجاد اشتغال در اولویت قرار گیرند. یافته فوق در راستای پذیرش فرضیه شماره (۳) می‌باشد.

۴- یافته‌ها نشان داده است که سازمان صنعت، معدن و تجارت و اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان کرمان طی دوره ۱۳۸۹-۱۳۸۵، در بررسی بنگاه‌های دارای طرح توجیه اقتصادی و معرفی آن‌ها به بانک‌های عامل جهت دریافت تسهیلات نسبت به سایر دستگاه‌های اجرایی موفق‌تر بوده‌اند. بنابراین متولیان بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده و سیاست‌گذاران می‌توانند از تجارب این دستگاه‌ها استفاده نمایند.

یافته فوق باعث پذیرش فرضیه شماره (۴) می‌شود.

۵- یافته‌ها نشان داده است که بانک‌های سپه، مسکن و ملت، طی دوره ۸۹-۱۳۸۵، انحراف کم‌تری در اعطای تسهیلات به بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده نسبت به سایر بانک‌ها داشته‌اند. بنابراین، این بانک‌ها می‌توانند به‌عنوان بانک‌های تخصصی در پرداخت تسهیلات به این بنگاه‌ها عمل نموده تا از افزایش میزان انحراف از اشتغال پیش‌بینی شده جلوگیری شود و سایر بانک‌ها نیز می‌توانند از تجارب بانک‌های موفق در جهت بررسی عملکرد بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده در تولید و اشتغال استفاده نمایند.

یافته فوق همسو با فرضیه شماره (۵) می‌باشد.

۶- یافته‌ها نشان داده است که زنان و شرکت‌های حقوقی به‌عنوان مجریان بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده نسبت به سایرین موفق‌تر عمل نموده‌اند.

یافته فوق فرضیه شماره (۶) را مورد تأیید قرار می‌دهد.

تشکر و قدردانی

از زحمات استادان محترم که در انجام این پژوهش از راهنمایی آن‌ها بهره برده ایم کمال سپاس را داریم. همچنین از کلیه کارکنان اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان که در جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز ما را یاری نمودند، تشکر نموده و سعادت و توفیق روزافزون این عزیزان را نیز از خداوند منان خواستاریم.

References

- ۱- Akhavan.Saraf, A.R. (۲۰۰۷). "Networking Applications In Marketing Small and Medium Enterprises". ۱۸th Year, Tadbir Magazine, NO.۱۸۰, (in Persian).
- ۲- Afkhami, v & Razavi, M.R. (۲۰۰۰). "Networks and Industrial Clusters, Small Industries & Industrial Parks Organization". Tehran, (in Persian).
- ۳- Amin.Aghaie. M. (۲۰۰۸). "Checking Factors Affecting The Performance of Small Industries From The Perspective of Economic Development Experts". Journal of Rural Development, Issue ۴, PP. ۱۲۵-۱۴۶, (in Persian).
- ۴- *Executive Bylaws That Spread Small Businesses and Entrepreneurs*, (۲۰۰۵), (in Persian).
- ۵- Bozorgnya, A. (۲۰۰۹). "The Role of Small Industries in Rural Development". www.aftabir.com, (in Persian).
- ۶- Tahsili, H. (۱۹۹۲). "Checking The Role of Small Industrial in The Khorasan Province For Creating Employment and Distributing Income". M.Sc. Thesis Economy, Tehran University, (in Persian).
- ۷- Todaro, M. (۱۹۸۵). "Economic development in the Third World", Translator: Farjadi, GH.A. Ministry of Planning and Budget, Tehran, PP. ۳۴۸, (in Persian).
- ۸- Robinson, j. (۱۹۷۵). "Introduction on Theory of Employment". Translator: Shahshahani, A, AmirKabir Publications, Tehran, PP. ۲۶, (in Persian).
- ۹- Rahmani, Z & Rabiee, A & Atabaki, M. (۲۰۰۰). "Checking the Effect of Quick Impact Projects on Employment and Entrepreneurship in Tehran province". Journal of Work and Society, NO. ۱۲۳& ۱۲۴, (in Persian).
- ۱۰- *Website of The Ministry of Cooperatives, Labour and Social Welfare of The*

- Country*, (in Persian).
- ۱۱- Schumacher, A.F. (۱۹۸۶). "*Small Is Beautiful: Economics With Human Dimensions*", Translator: Ramin, A, Soroush Publications, Tehran, (in Persian).
 - ۱۲- Farhadiyan, a & Farhadiyan, H. (۱۹۹۲). "*The Position and Role of Rural Small Industries In Rural Development*", ۲۳th Year, Jahad, NO. ۲۵۸, (in Persian).
 - ۱۳- Gojarati, D. (۱۹۹۵). "*Basics of Econometrics*", Translator: Abrishami, H, (۱۹۹۵), ۴th Edition. Tehran University Publications. Volume ۲, (in Persian).
 - ۱۴- Mostofi, M.R & Abbasi, A. (۲۰۰۰). "*The Evaluation of Achieving of desired goals (goals of production, employment and profits) in Qom quick impact projects*", Journal of Financial Studies, No. ۷, (in Persian).
 - ۱۵- Dasanayaka, S.W.S.B. (۱۹۹۷). "*Small and Medium Scale Enterprises in Informal Sector in Pakistan and Sri Lanka with Research Agenda*". Paper Prepared for the Special IARIW-SAIM Conference on "Measuring the Informal Economy in Developing Countries".
 - ۱۶- Smallbon, D. (۲۰۰۴). "*Employment Generation in Manufacturing SME's in Contrasting External Condition*". <http://www.usasbe.org>.
 - ۱۷- Smallbone, D. North, D. (۱۹۹۹). "*Small Business Development in Remote Rural Areas: The Example of Mature Manufacturing Firms in Northern England*". Centre for Enterprise and Economic Development Research, Middlesex University, Queensway, Enfield EN۳ ۴SF, U.K.